

سخنان هدايتگر

(آيات و احاديث و... كه باعث هدايتم شد)

تأليف:

ابو خالد الرفيعى

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به راهنمایم در زندگی؛ کمک حالم در آشفتگی

هم دم و همسر مهربانم

«ام خالد رفیعی»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳ مقدمه
۵ قلب مشرکان
۶ شرک یهودی، نصاری و رافضه
۷ شباهت شیعیان با یهودیان
۸ شباهت شیعیان با مسیحیان
۱۰ تو سئل شرک است
۱۲ مردگان نمی شنوند
۱۵ آیا شهیدان زنده اند؟
۱۶ رفتار اهل بیت با روافض چگونه است؟
۱۷ اصحاب رسول الله ﷺ
۱۸ افسانه‌ی مظلومیت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۲۱ امهات المومنین رضی الله عنهن
۲۴ تاریخ فرقه‌ی رافضه و بعضی عقایدشان
۲۸ کلام آخر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه و سلم، اما بعد: قصد آن را کرده بودم که شرح حالی از خودم و چگونگی هدایتم را به صورت کتابی در آورم اما به دلایلی نتوانستم، پس تصمیم گرفتم نکاتی که باعث هدایت این بنده‌ی حقیر گشته را جمع‌آوری کرده و خدمت آن دسته از کسانی که دنبال حق و حقیقتند عرضه دارم. و باید دانست که هدایت دست خداوند متعال است:

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾

[القصص: ۵۶].

«به‌طور قطع تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری، هدایت کنی؛ ولی الله هر که را بخواهد، هدایت می‌کند. و او به هدایت‌یافتگان داناتر است».

و پذیرفتن آن دست بنده است، چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ [الإنسان: ۳]. «ما، راه را به او نشان دادیم؛ خواه سپاس‌گزار باشد و خواه ناسپاس» که خداوند ابنای آدم را در پذیرفتن هدایت مختار گذاشته است.

بنده‌ی حقیر خداوند یکتا احمد بن الحسین (ابو خالد الرفیعی) در یک خانواده‌ی شیعه‌ی نسبتاً مذهبی به دنیا آمدم. اوایل زندگی خود را صرف خرافات و شیعه‌گری کردم. مداحی بودم که جماعتی را در شرکم به خدای عز وجل شریک میکردم، و اکنون امید دارم خداوند بنده‌ی حقیر را ببخشد.

خداوند تبارک و تعالی مرا کمک کرد و توانستم با مطالعه و رجوع به سخنانش در قرآن، حق را بیابم و بفهمم مذهب تشیع از بیخ و بن مذهبی ضاله و خود ساخته‌ی عده‌ای است که مخالف قرآن، سنت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند و بدون حکومت صفویه

هیچ نبوده است که متأسفانه به زور این مذهب خرافی که پر از بدعت است را بر اجداد شوریده حال ایرانیان کنونی را تحمیل کرده‌اند.

در همین احوال بوم و قصد اسلام آوردن داشتم که خداوند تبارک و تعالی کمکم نمود و من با بالابردن مطالعه علی الخصوص خواندن قرآن توانستم حقیقت را دریابم. ناگفته نماند باید از کسانی که باعث هدایتم شدند و مرا قبل و بعد هدایت کمک نمودند علی الخصوص همسر مهربانم **ام خالد الرفیعی** تشکر کنم. با کمک و راهنمایی الله تعالی اسلام آوردم؛ اسلام حقیقی که همان اسلامی است که جبرئیل بر دل رسول الله ﷺ نشانیده بود و او بر مردم ابلاغ کرد؛ اسلامی که مؤمنین را به پرستش خداوند یکتا فرا میخواند و از پرستش غیر او نهی می‌کند.

این کتاب نشانه‌ها و سخنانی است که باعث هدایتم گشت و مرا آگاه ساخت. ان شاءالله توشه‌ای باشد برای آخرتم.

ولا حول ولا قوة إلا بالله

خادم کتاب الله

ابوخالد الرفیعی

آذر ماه سال ۱۳۸۹

قلب مشرکان

اگر در مساجد یا حسینیه‌های شیعیان بروید یا با اسامی غیر اسامی الله تعالی روبه رو میشوید (مانند یا حسین و یا زهرا و ...) یا اسم مبارک الله تعالی را همراه با اسامی ائمه‌ی شیعیان می‌بینید که گاهی یا بصورت حکاکی روی سقف یا دیوار مساجد و یا روی پارچه‌ی ای نوشته شده است.

سالروز شهادت امامشان را عزا می‌گیرند و امامشان را میخوانند و به طور مکرر یا حسین و یا علی و یا عباس می‌گویند و در آخر دست به دعا می‌گیرند و ده مرتبه یا الله می‌گویند تا بگویند ما خدا پرست و موحدیم!! بعدا می‌گویند: «اللهم عجل لولیک الفرج: خدایا! گشایش ولی خود (مهدی مزعوم) را سرعت بخش» و بعضا سه مرتبه آن را تکرار می‌کنند. و خود را مسلمان، موحد، یکتا پرست و شیعه‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام می‌دانند. و چه راست گفت الله تعالی که:

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ [الزمر: ٤٥].

ترجمه: «و هنگامی که الله به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، نسبت به توحید می‌گیرد و متنفر می‌شود و چون یادی از معبودان دیگر به میان می‌آید، ناگهان شادمان می‌گردند».

و این براستی شرح حال من قبل از هدایت است. گاهی حتی از سر شرک زیاد حاضر بودم الله تعالی را یاد نکنم ولی غیر او را ذکر فراوان می‌کردم و خداوند مرا مورد رحمت خویش قرار دهد.

به مساجد شیعیان که می‌روید غیر ممکن است در یک ربع به غیر اسم الله تعالی اسمی دیگری نبرند بلکه فقط شرک می‌ورزند و نام این و آن را به اسم اینکه ائمه‌ی شان هستند می‌برند و بسیار از این بابت خرسند هستند.

ماه محرم را بعضا افضل از ماه رمضان می‌دانند؛ زیرا این ماه را فقط به ذکر حسین علیه السلام

مشغولند، و در ماه رمضان کمی از الله تعالی یاد می‌شود. عید فطر و عید قربان را عید نمی‌دانند و چنان شادی نمی‌کنند که در روز غدیر خم یا نیمه شعبانشان بنخاطر ذکر غیر خداوند شادی می‌کنند. تمامی سالروزهای ولادت و شهادت ائمه‌ی شان را جشن یا عزا میگیرند، و در مساجد و هیئت‌هایشان به ذکر غیر خدا می‌پردازند و در آخر گاهای یادی از الله تعالی می‌کنند و ظهور مهدیشان را خواستارند خداوند راهنماییشان کند.

شرک یهودی، نصاری و رافضه

مسیحیان و یهودیان و روافض (شیعیان) هر کدام به گونه‌ای شرک می‌ورزند و همه شان ادعای بر حق بودن دارند. مسیحیان عیسی علیه السلام را -نعوذ بالله- پسر خداوند می‌دانند و نجات دهنده‌ی بشر. و یهودیان نیز به گونه‌ای شرک می‌ورزند و خداوند را کوچک می‌شمارند و برای ائمه‌ی شان مقبره ساخته و آنها را میپرستند. و اگر از آنها پرسشی می‌گویند خدا پرستیم. مسیحیان مجسمه‌ی مریم علیها السلام را مقدس می‌دانند و آن را تعظیم و تکریم می‌کنند. و صلیب را نیز مقدس مینامند و لحظه‌ای تفکر نمی‌کنند که این ساخته‌ی دست خود آنهاست.

و رافضی ائمه‌اش را در حد خداوند بالا میبرد و از آنها کمک می‌خواهد و به آنها متوسل میشود و برای قبر ائمه‌اش مقبره میسازد، ضریح میسازد و به ضریح امامش تعظیم و تکریم می‌کند. ضریح را میگیرد و گریه و زاری می‌کند. جالب است رافضی اهل کتاب را مشرک میخواند و خود از آنها بدتر است و برای خود کلاه شرعی میگذارد و کارهای خود را اسلامی و مناسب با آیات قرآن می‌داند. که ان شاء الله شرک بودن کارهایشان را در ادامه‌ی ثابت خواهیم کرد. و خداوند چه درست درباره‌ی این جماعت فرموده است:

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۶].

ترجمه: «و بیشترشان به الله ایمان نمی آورند و فقط مشرکند».

شباهت شیعیان با یهودیان

اما در این قسمت شباهت‌های شیعه و یهود را که در کتاب منهاج السنة النبویه اثر شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله آمده است بازنویس می‌کنم. شاید شخصی اینها را نخوانده باشد و اکنون وقت مناسبی برای نقل آن است:

یهودیان می‌گویند: فرمانروایی از آن آل داود می‌باشد و روافض می‌گویند: امامت از آن فرزندان علی است.

یهودیان می‌گویند: تا زمان خروج مسیح دجال و نزول شمشیر از آسمان، جهاد در راه خدا لازم نیست. و روافض می‌گویند: تا زمان خروج مهدی و آمدن ندا از آسمان جهاد در راه خدا لازم نیست.

یهودیان نماز را تا هنگام ظاهر شدن کامل ستارگان به تعویق می‌اندازند. و روافض نماز مغرب را تا ظاهر شدن ستارگان به تأخیر می‌اندازند. پیامبر صلی الله علیه و آله میفرمایند: «امت من همچنان بر فطرت پاک اسلام باقی می‌مانند اگر نماز مغرب را تا هنگام ظاهر شدن کامل ستارگان به تأخیر نیندازند»^(۱).

یهودیان اندکی از قبله‌شان متمایل می‌شوند، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان در نمازشان دست و پا تکان می‌دهند، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان لباسشان را در نماز پایین می‌اندازند، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان عده‌ای برای زنان قائل نیستند، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان تورات را تحریف کردند، روافض نیز می‌گویند قرآن تحریف شده است.

یهودیان می‌گویند: خداوند پنجاه نماز را بر ما فرض کرده است، روافض نیز چنین می‌گویند.

یهودیان مخلصانه به مؤمنان سلام نمی‌کنند، و بلکه می‌گویند: السام علیکم و «سام» به

معنی مرگ و نابودی است، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان ماهی زناب و مارماهی را نمی‌خورند، روافض نیز چنین‌اند.
 یهودیان مسح بر خفین را جایز نمی‌دانند، روافض نیز چنین‌اند.
 یهودیان اموال همه مردم را برای خود مباح می‌شمارند، روافض نیز چنین‌اند.
 یهودیان با گذاشتن یک طرف سر بر روی زمین سجده می‌برند، روافض نیز چنین‌اند.
 یهودیان قبل از سجده، سرشان را مثل رکوع چندین مرتبه تکان می‌دهند، روافض نیز چنین‌اند.

یهودیان با جبرئیل دشمنی می‌ورزند و می‌گویند: او دشمن ما از بین ملائکه است، روافض نیز چنین‌اند و می‌گویند: جبرئیل با وحی بر محمد به اشتباه رفت.
 و این هم بنده اضافه کنم:
 یهودیان می‌گویند فقط ما بر حق هستیم و بقیه همه در گمراهی و خونشان مباح است و روافض نیز اینگونه‌اند.

شباهت شیعیان با مسیحیان

اما از شباهت مسیحیان با روافض که همگان می‌دانند:
 مسیحیان مه‌ری برای زنان در نظر ندارند و فقط از آنها استفاده می‌کنند و شیعیان هم متعه را جائز می‌دانند.
 مسیحیان مراسم راهپیمایی دارند که صلیب بزرگی در دست دارند و روافض در جلوی دسته‌های سینه‌زنی شان علم می‌گیرند (که شبیه صلیب است).
 مسیحیان در کلیساهایشان آواز می‌خوانند و بالا و پایین می‌پرند. روافض نیز در هیئت‌ها هروله می‌کنند (بالا و پایین می‌پرند) و نوحه‌هایی به سبک غنا می‌خوانند.
 مسیحیان برای بزرگانشان مقبره می‌سازند و روافض نیز اینگونه‌اند.
 مسیحیان از مجسمه‌ی مریم علیها السلام تبرک می‌گیرند و آن را می‌بوسند و روافض نیز علم، چوب دستی نگهبانان مقبره‌ها، ضریح و قبور و ... را می‌بوسند و از همه چیز تبرک می‌جویند.

مسیحیان آب بعضی نهرها را مقدس و پاک‌کننده می‌دانند و آنرا برای شفای امراضشان

استفاده می‌کنند و روافض نیز از خاک کربلا برای شفا استفاده می‌کنند.
مسیحیان مراسم زنجیر زنی دارند و روافض نیز در عزای حسین علیه السلام زنجیر می‌زنند.
جالب این است که بسیاری از روافض ادعا می‌کنند که مسیحیان در محرم همچون
آنها عمل می‌کنند و در عزای حضرت امام حسین علیه السلام شرکت می‌کنند، و این اعترافی از
آنهاست ...

توسل شرک است

احيانا اگر سه شنبه شبها به مساجد شيعيان برويد دعای توسل ميخوانند و به گمان خود توشه‌ی آخرت را برای خود فراهم ميسازند تا به بهشت بروند.

شيعيان با اينکه امامانشان را مستقيما مورد خطاب قرار ميدهند و خواسته‌هايشان را از آنها طلب مي‌کنند اما به دروغ مي‌گويند که ما ائمه را برای تقرب به خداوند ميخوانيم و از آنها به عنوان وسيله و رابط استفاده مي‌کنيم. اين حرف احمقانه اينها در اين حال است که الله تعالى مي‌فرمايد:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾

«و چون بندگاتم از تو درباره‌ی من مي‌پرسند، (بدانند که) من نزديکم و درخواست دعا-کننده را بدانگاه که مرا مي‌خواند، اجابت مي‌کنم. پس بايد دعوتم را پذيرند و به من ايمان بياورند تا هدايت يابند.» (البقره: ۱۸۶)

و خداوند از کسانی که از او طلب نمی‌کنند ناخشنود میباشد:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

دَاخِرِينَ﴾

«و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانيد تا دعای شما را پذيرم. بي شک آنان که از عبادت من سرکشی مي‌کنند، به زودی خوار و سرافکنده وارد دوزخ خواهند شد.» [غافر: ۶۰]

و با اين حال روافض از امامانشان درخواست کمک مي‌کنند با اينکه الله تعالى مي‌گويد از من درخواست کنيد.

حال به خود مسئله‌ی توسل ميپردازيم. آيا مي‌شود بندگان الله به غير او متوسل شوند و به خدا نزديک شوند. خداوند به زبان ساده جواب اين ابلهان را ميدهد:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

ترجمه: «هان! دین و عبادت خالص (و تهی از شرک) از آنِ الله است. و آنان که دوستانی جز او برگزیده‌اند، (می‌گویند:) ما آنان را عبادت و پرستش نمی‌کنیم مگر برای آنکه (واسطه‌ی ما باشند و) ما را به الله نزدیک کنند. بی‌گمان الله در میان آنان پیرامون مواردی که با هم اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. بی‌شک الله، کسی را که دروغگو و ناسپاس باشد، هدایت نمی‌بخشد.»

و خداوند متعال در سوره‌ی یونس آیه ۱۸ می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَتُوْلَآءِ شَفَعُونَآ عِنْدَ اللَّهِ ۗ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۗ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾

«و جز الله چیزهایی را می‌پرستند که نه زیانی به آنان می‌رساند و نه سودی؛ و می‌گویند: «اینها شفیعان ما نزد الله هستند». بگو: آیا به گمان خود الله را (از وجود شفیعیانی) آگاه می‌سازید که او در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟! الله از شرکی که به او می‌ورزند، پاک و برتر است.»

و به راستی هیچ کس علم به آسمانها و زمین ندارد حتی رسول الله ﷺ که به ایشان وحی می‌شده است. و این امر خداوند است به پیامبر که بگوید علم غیب (آسمانها و زمین) را ندارد:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ ۗ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

«بگو: من برای خودم مالکِ هیچ نفع و ضرری نیستم، مگر آنچه الله بخواهد. و اگر غیب می‌دانستم، سود بسیاری برای خودم فراهم می‌ساختم و هیچ زیانی به من نمی‌رسید. من برای

مؤمنان تنها هشداردهنده و مژده رسانم.» (الأعراف: ۱۸۸)

و خود خداوند متعال در سوره‌ی نحل آیه ۷۷ می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحٍ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾

«آگاهی از غیب آسمان‌ها و زمین ویژه‌ی الله است. و برپا کردن قیامت (برای پروردگار)

تنها به اندازه‌ی چشم به هم زدن یا کمتر از آنست. بی‌گمان الله بر همه چیز تواناست.»

پس شفیع قرار دادن غیر خدا «مِن دُونِ اللَّهِ» چنانچه در سوره‌ی یونس آیه ۱۸ آمده است همانند شریک شدن ایشان با خداوند متعال است. و خیلی خنده‌دار است که اینها علم به آسمانها و زمین هم ندارند و مشرکین می‌خواهند آنها را عالم به غیب نشان دهند. چنانچه شیعیان ائمه‌ی شان را عالم به غیب می‌خوانند و می‌گویند که می‌دانستند کی می‌مرند و در آینده چه اتفاقی می‌افتد؟ و ما کذب آنها را ثابت نمودیم.

و باز بسیار خنده‌دار تر است که این جاهلان با اینکه خداوند متعال می‌گوید:

﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (غافر: ۶۰) «مرا بخوانید تا دعایتان را استجاب کنم»، باز

سراغ بنهای خود می‌روند و از آنها طلب کمک می‌کنند.

آیا خداوند نیاز به رابط دارد در حالی که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي

قَرِيبٌ﴾ (البقرة: ۱۸۶) «و چون بندگانم از تو درباره‌ی من می‌پرسند، (بدانند که) من نزدیکم».

و شیعیان می‌گویند: دعا کردن در حق همدیگر جائز است. و ما از ائمه می‌خواهیم در حقمان دعا کنند و این کلامی کذب است؛ زیرا شیعیان خواسته‌هایی که فقط خداوند میتواند آنها را اجابت کند از ائمه‌ی شان می‌خواهند ولی ما به این بحث هم می‌پردازیم که آیا ائمه‌ی شیعیان که زیر خاکند اصلاً صدای اینها را می‌شنوند که دعاهایشان را اجابت کنند، و اگر بشنوند چه فرقی به حالشان دارد؟.

مردگان نمی‌شنوند

در آیاتی متعددی از قرآن می‌خوانیم که مردگان نمی‌شنوند. و پس از اثبات این موضوع

خواهیم دید که اگر بشنوند هم کاری از دستشان بر نمی‌آید.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمَعٍ مِّنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]. «و تو نمی‌توانی سخنی را به گوش مرده‌ها برسانی».

و در قبل این عبارت در همین آیه می‌فرماید: ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ﴾ [فاطر: ۲۲]. یعنی: «مردگان و زندگان یکسان نیستند».

این آیه خطاب به پیامبر ﷺ است. ولی ای شیعیان این خطاب به شما نیز میباشد که اگر خود را به زنجیر ببندید و خود را بکشید و از سقف آویزان شوید والله که نمیتوانید مردگان را شنوا بگردانید و این کلامی خنده‌دار میباشد. خداوند متعال در جای دیگری می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ [نمل: ۸۰]

«بی‌گمان تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نیز نمی‌توانی دعوت و فراخوان خویش را به گوش کران و ناشنویان (حقیقی) برسانی؛ آن‌گاه که پشت می‌کنند و روی برمی‌تابند».

و مرگ حق است و همگی می‌میرند حتی رسول الله ﷺ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ﴾ [الزمر: ۳۰]. «ای پیامبر! به راستی تو هم می‌میری و همه آنها هم می‌میرند».

و در موضع دیگری می‌فرماید:

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾﴾

«همه‌ی کسانی که روی زمین هستند، فناپذیرند. و ذات پروردگارت، صاحب شکوه و بخشش، باقی می‌ماند.» (الرحمن: ۲۶-۲۷)

شما آنها را برای چه می‌خوانید وقتی حس و شعوری ندارند و هیچ کاری نمی‌توانند بکنند؟

و در حالی که پروردگار بزرگ می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا تَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿۱۶﴾ أَمْ أَوْتُوا غَيْرَ أَحْيَاءٍ
وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿۱۷﴾﴾

«و کسانی که مشرکان به جای الله می‌خوانند، چیزی نمی‌آفرینند و خودشان آفریده و مخلوق پروردگارند. مرده‌اند، نه زنده؛ و نمی‌دانند چه زمانی برانگیخته می‌شوند». [نحل: ۲۰ و ۲۱]

پس ثابت کردیم همگی می‌میرند و مردگان نمیشنوند اما فرض بر این می‌گیریم که مردگان میشنوند آیا میتوانند برای ما کاری کنند. و چنانچه خود شما می‌گویید مردگان دستشان از دنیا کوتاه است و حتی نمی‌توانند اگر کسی به آنها فحاشی کند یا تهمتی زند از خودشان دفاع کنند، و خداوند نیز در این باره می‌فرماید:

﴿إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ﴿۱۸﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ
بِشْرِكِكُمْ ﴿۱۹﴾ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۲۰﴾﴾ [فاطر: ۱۴].

ترجمه: «اگر آنان را بخوانید، دعا و خواسته‌ی شما را نمی‌شنوند و اگر بشنوند، پاسختان را نمی‌دهند و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند و هیچ‌کس مانند پروردگار دانا، تو را (از حقایق و فرجام امور) باخبر نمی‌سازد».

و باز بایست تاکید شود که مردگان نمیشنوند:

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن
دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ﴿۲۱﴾﴾

«و هیچ‌کس گمراه‌تر از کسی نیست که کسانی جز الله را به‌فریاد می‌خواند که تا روز قیامت نیز درخواستش را پاسخ نمی‌گویند و آنان (معبودان باطل) از دعا و درخواست ایشان بی‌خبرند» (الأحقاف: ۵).

و باز شیعیان می‌گویند که خداوند در سوره‌ی آل عمران آیه: ۱۶۹ فرموده شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند که انشاء الله این آیه را هم بررسی می‌کنیم.

آیا شهیدان زنده اند؟

اما شیعیان بنا بر آنچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ [آل عمران:

۱۶۹].

ترجمه: «هرگز کسانی را که در راه الله کشته شدند، مرده مپندار؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌یابند».

می‌گویند: شهیدان زنده اند و صدای ما را می‌شنوند و حاجات ما را برآورده می‌کنند. و باید در جواب آنها گفت: اگر آنگونه که در دنیا زنده‌اند الآن هم زنده‌اند پس نمیتواند هیچ کنند؛ زیرا موقع زنده بودنشان چه کردند که الآن کنند. و اگر می‌گویید از همه چی با خبر بودند بهتر است به بخش توسل شرک است رجوع کنید و ببینید هیچ کس به غیر الله تعالی از غیب خبر ندارد و خبر دار بودن انسانها از مرگ و زندگی و ... دروغی بیش نیست.

اما این هم جوابی کامل نیست. خداوند می‌فرماید شهیدان زنده اند ولی نزد کی و کجا؟ آیا نزد مردم؟ یا نزد خداوند متعال؟ بله آنها «عند ربهم: نزد پروردگارشان» زنده اند و روزی میگیرند. حال عند ربهم کجاست؟

خداوند می‌فرماید:

﴿هُم دَاوُءُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۷]. «برای آنان

نزد پروردگارشان، سرای سلامتی - بهشت - فراهم شده و به سبب اعمالی که انجام می‌دادند، الله یاور و کارسازشان است».

پس حتی فرض را بر این بگیریم که صدای ما را می‌شنوند آیا مکان و مرتبه ای که نزد خدا دارند و از نعمات خداوند که الله تعالی نصیبتان کرده میگذرند و به کمک ندا دهندگانشان می‌شتابند؟

پس کمی تأمل کنید تا حقیقت را دریابید و به افسانه‌ها گوش ندهید.

رفتار اهل بیت با روافض چگونه است؟

شیعیان با کارهای مشرکانه و توسلشان به اهل بیت انتظار شفاعت از ایشان را دارند و توقع دارند در روز محشر با اهل بیت رسول الله محشور شوند. ولی آیا اینگونه است؟ آیا حتی امامانشان جواب سلام آنها را میدهند؟ آیا از آنها دفاع می‌کنند؟ یا اینکه روافض را رد می‌کنند و آنها را مشرک میخوانند؟

﴿وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ﴾

«و هنگامی که مردم برانگیخته می‌شوند، معبودان باطل، دشمن ایشان خواهند بود و منکر عبادت اینها خواهند گشت» (احقاف: ۶)
و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ﴾

«و مشرکان با دیدن معبودانشان که شریک پروردگار می‌ساختند، می‌گویند: پروردگارا! اینها معبودان ما هستند که آنها را به‌جای تو می‌خواندیم. آن‌گاه معبودانشان به آنان می‌گویند: شما دروغ‌گویید.» (النحل: ۸۶)

پس هم اکنون میبینید که نه تنها ایشان از مشرکان شفاعت نمی‌کنند بلکه با ایشان دشمنی نیز می‌کنند و موقعی این امر را میفهمند که دیر است:

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [النحل: ۸۵].

ترجمه: «و هنگامی که ستمگران عذاب الهی را ببینند، از عذابشان کاسته نمی‌شود و هیچ مهلتی نمی‌یابند.»

و خداوند لعنت کند کسانی که شرک مشرکان را زیاد می‌کنند و مانع آن میشوند که اندیشه کنند و بفهمند. و خدا درباره‌ی اینان می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا﴾

يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ «کسانی که کفر ورزیدند و از راه الله بازداشتند، به سزای فسادشان عذابی بر عذابشان می افزاییم.» (النحل: ۸۸)
و خداوند همگان را مورد هدایت قرار دهد.

اصحاب رسول الله ﷺ

شیخ الاسلام ابن تیمیه چه زیبا در وصف روافض نوشت:
«از یهود پرسیده شد: از امت شما چه کسانی بهترین اند؟ جواب دادند: اصحاب موسی. و از مسیحیان پرسیده شد: از امت شما چه کسانی بهترین اند؟ جواب دادند: حواریون عیسی. و از روافض پرسیده شد: از امت شما چه کسانی بدترین اند؟ جواب دادند: اصحاب محمد»^(۱).

براستی کسی که دم از حب کسی میزند آیا یاران و دوستان او را به دشمنی میگیرد؟ آیا این کاری عقلانی است که کسی رسول الله ﷺ را به دوستی و یارانش را به دشمنی بگیرد!.

﴿وَالسَّبِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

ترجمه: «الله، از پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نمودند، راضی است. و آنان نیز از الله خشنودند و الله، برایشان باغهایی آماده کرده که از فرودستش جویبارها روان است و جاودانه در آن می ماندند. این است رستگاری بزرگ».
روافض کی میخواهند بدانند که فتنه‌ی رفض صحابه ﷺ و این عقاید پلیدشان همه و همه از زمان ظهور ابن سبأ یهودی برای تخریب عقاید اسلامی و تفرقه بین مسلمین بوجود آمد. آیا کسانی که به گفته‌ی راویان شیعی به گفته‌ی جعفر بن محمد رضی الله عنه مرتد شدند شایسته‌ی این لطف الهی هستند که خداوند متعال در وصف آنها آن چنان فرموده است؟.

این چه مذهبی است که که محمد توسیرکانی در لآلی الأخبار مینویسد: «بدان بهترین جا و زمان و حالت برای لعنت فرستادن به آنها زمانی است که در دستشویی باشی!!! پس هر بار به دستشویی میروی با خیال راحت چند بار بگو: بار خدایا عمر را لعنت کن سپس ابوبکر و عمر سپس عثمان و عمر سپس معاویه و عمر ... بار خدایا عایشه و حفصه و هند و ام حکم را لعنت کن و کسانی را لعنت کن که به کارهای آنان راضی هستند (یعنی اهل سنت)»^(۱).

با اصحاب رسول الله کاری نداریم ... آیا این مذهب است که می گوید خدا را در دستشویی یاد کن و به فلان و فلان و فلان فحاشی کن یا ضد مذهب. اما اگر دقت کنید روافض بیش از همه عمر فاروق رضی الله عنه را مورد لعن خویش قرار میدهند و استدلالشان این است که حضرت عمر رضی الله عنه سیدتنا فاطمه رضی الله عنها را مورد مظلومیت قرار داده و موجب مرگ ایشان شده، و افسانه‌ی شهادت فاطمه رضی الله عنها را ساخته اند و این دروغ و کذبی بیش نیست، که آن را بررسی خواهیم نمود.

افسانه‌ی مظلومیت فاطمه رضی الله عنها

چنانچه گفتیم روافض عمر فاروق رضی الله عنه را از همه صحابه بیشتر مورد عداوت و دشمنی قرار میدهند با این تصور که عمر بن الخطاب رضی الله عنه به سیدتنا فاطمه ظلم نموده. اما احادیث روافض را در باره‌ی این امر بررسی خواهیم نمود (بنا به حجم زیاد احادیث به رد آنها بسنده می‌کنیم):

در روایات آشفته‌گی کامل را میبینیم چنانچه در جایی می‌گوید عمر فاروق خانه‌ی فاطمه رضی الله عنها را به آتش نکشید بلکه به قصد ترساندن گفت: آتش میزنم (بحار الانوار ۲۴۱/۲۸)، و در روایاتی نیز به عکس آنرا میبینیم که عمر رضی الله عنه درب خانه‌ی علی رضی الله عنه را به آتش میکشد (انوار العلویه ۲۸۶)، و جایی میبینیم که قنفذ فاطمه رضی الله عنها را شلاق زد و به در دیوار کوبید و ... (الأنوار العلویه ۲۸۷)، و در جایی هم میبینیم که قنفذ فقط با غلاف شمشیر خود ضربه‌ای به فاطمه وارد کرده و موجب سقط فرزند او محسن شده (دلایل

۱- لآلی الأخبار، ج ۴ ص ۹۲.

الامامه ۱۴۵)، و ... که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ

غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

«آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف

بسیاری می‌یافتند» (النساء: ۸۲).

مسئله‌ی دوم این است که چرا علی علیه السلام غیرتی از خود نشان نداد و حرکتی نکرد بلکه گذاشت فاطمه را کتک بزنند و خود کاری نکرد. شاید روافض بگویند: در روایت‌ها آمده است: علی بن ابی طالب از جایش جهید و یقه‌ی عمر را گرفت و او را به شدت تکان داد و به زمین انداخت و ضربه‌ای به بینی و گردنش زد و تصمیم گرفت او را بکشد، ولی فرموده‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله را بیاد آورد که او را به صبر و اطاعت وصیت نموده بود (بحار الانوار: ۲۸/۲۹۹) در پاسخ می‌گویم: این خود، بر اضطراب و آشفتگی روایات می‌افزاید؛ زیرا در بیشتر روایات چنین چیزی نیامده است، و این روایت با عقیده‌ی شیعیان در مورد عصمت ائمه که حتی آنان را از نسیان و فراموشی معصوم می‌پندارند، در تعارض قرار دارد.

شاید بگوییم: علی از آن جهت از پاره‌ی تن رسول الله صلی الله علیه و آله دفاع نکرد که پیغمبر این موضوع را به او خبر داده و وصیتش کرده بود که به خاطر مصلحت اسلام و مسلمانان صبر و شکیبایی نماید.

می‌گوییم: از کدامین مصلحت اسلام سخن می‌گوییم، حال آن که بزرگ‌ترین علمای مذهب تصریح کرده‌اند که مردم پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله از دین برگشتند (مرتد شدند) و تنها تعداد اندکی که شمارشان از تعداد انگشتان دو دست نمی‌گذرد، بر دین اسلام ثابت‌قدم ماندند؟ پس در سکوت در برابر مرتدین چه مصلحتی برای اسلام وجود داشت که آنان را به حالشان رها کنند تا هر فسادی که در زمین می‌خواهند، به راه بیندازند؟

نکته‌ی دیگری که درخور توجه است، این که معمولاً انسان بهترین اسم‌ها را برای فرزندان‌ش انتخاب می‌کند، اسم‌هایی که دوست دارد و مورد پسند اوست، شیعه و سنی

قبول دارند که علی، به نام ابوبکر، عمر و عثمان را بر فرزندانش گذاشته و پس از او فرزندانش نیز همین رویه را دنبال کرده اند.^(۱)

واقعیتی که اصلاً جای انکارش نیست، این افسانه‌ی دروغین را رد می‌کند، چگونه است که علی، ام کلثوم دختر فاطمه را به ازدواج عمر در می‌آورد، حال آن که به گمان و پندار شیعیان، عمر، همان کسی است که مادر ام کلثوم را زده، پهلویش را شکسته و باعث مرگش بوده است؟ بلکه به گمان شیعیان، عمر کافر بوده است!؟

تو را به خدا سوگند، آیا دختری را به کسی می‌دهی که با مادر دختری چنین رفتاری کرده باشد؟ پس چگونه امکان دارد کسی چون علی که از تو بهتر و با تقواتر است، چنین کند؟ آیا علی بدینگونه پاداش همسرش فاطمه را می‌دهد که دختر فاطمه را به ازدواج سرسخت‌ترین دشمن وی درمی‌آورد؟ آیا علی دختری را به یک کافر می‌دهد؟ حال آن که پروردگار متعال فرموده است:

﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ﴾

«و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند» (البقره: ۲۲۱).

۱- الإرشاد (۱۶۷) (۲۴۸)، المناقب (۴ / ۱۰۷ - ۱۱۲)، مقاتل الطالبيين (۹۱)، الأمالی، صدوق (۱۲۱)، إعلام الوری (۲۰۳) بحار الأنوار (۴۲ / ۷۴، ۹۰، ۹۲) (۴۵ / ۳۶، ۶۳) (۴۴ / ۳۱۳)، الاختصاص ۸۲ المعجم، خوئی (۲۱ / ۶۶) (۲۲ / ۷)، الأنوار النعمانية (۳ / ۲۶۳)، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید شیعه‌ی معتزلی (۹ / ۲۴۲)، رجال ترکوا بصمات علی قسمات التاريخ، قزوینی (۱۷۲، ۱۷۷)، الفصول المهمه، ابن الصباغ (۱ / ۶۴۵) (۲ / ۴۸۸)، الأنوار العلویه، جعفر نقدی (۴۳۴، ۴۴۸)، أنصار الحسين، مهدی شمس الدین (۱۳۶)، معالم المدرستین، عسکری (۳ / ۱۲۷)، مناقب الإمام أمير المؤمنين عليه السلام کوفی (۲ / ۴۸)، تاریخ الأئمه، بغدادی (۱۷) شرح الأخبار، قاضی نعمان (۳ / ۱۷۸)؛ تاج الموالید طبرسی (۱۹) المستجد من الإرشاد، حلی (۱۳۹) العوالم عبدالله بحرانی (۲۸۰) لواجع الأشجان، محسن امین (۱۷۷)، مستدرک سفینه البحار، شاهرودی (۷ / ۳۸۶)، الرجال، طوسی (۱۰۶) رجال ابن داود (۲۱۵)، نقد الرجال، نفرشی (۵ / ۱۲۷)، مستدرکات علم الرجال، شاهرودی (۸ / ۳۴۳) المفید من معجم رجال الحدیث، جواهری (۳۶۵، ۶۸۶)، قاموس الرجال، تستری (۱۱ / ۲۳۶)، تاریخ یعقوبی (۲ / ۲۱۳)، أعيان الشيعة، مسحن أمين (۱ / ۳۲۷، ۶۰۸) (۲ / ۳۰۲)، الدر النظیم، عاملی (۴۳۰)، کشف الغمه (۲ / ۶۷) موسوعة شهداء المعصومين (۱ / ۲۶۷) (۲ / ۲۵۲، ۲۷۱) شرح إحقاق الحق (۲۲ / ۶۷۵، ۷۸۲، ۶۸۴، ۳۳ / ۶۷۶) مجله‌ی تراثنا (۲ / ۱۴۹).

در صورتی که تمام این دروغ‌ها را بپذیریم و باور کنیم که واقعاً چنین بلاهایی بر سر علی و فاطمه آمده و از آن دو کاری ساخته نبوده، باز هم این سؤال مطرح است که آیا در مدینه مردمانی نبودند که نسبت به آبروی پیامبرشان که حکم پاره‌ی تن آن بزرگوار را داشت، غیرت ورزند و آیا مدینه، تهی از کسانی بود که نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله تعصب و غیرت داشته باشند؟ -والله اعلم-

امهات المومنین رضی الله عنهن

باز هم به همان گفته‌ی کذابی از کتاب لآلی الاخبار می‌نگریم:

«بدان بهترین‌جا و زمان و حالت برای لعنت فرستادن به آنها زمانی است که در دستشویی باشی!!! پس هربار به دستشویی میروی با خیال راحت چند بار بگو: بار خدایا عمر را لعنت کن سپس ابوبکر و عمر سپس عثمان و عمر سپس معاویه و عمر ... بار خدایا عایشه و حفصه و هند و ام حکم را لعنت کن و کسانی را لعنت کن که به کارهای آنان راضی هستند (یعنی اهل سنت)».

ای شیعیان! ای کسانی که خود را محب رسول الله و آلش می‌دانید آیا محب کسی زنان او را لعن می‌کند؟ آیا زنان رسول الله رضی الله عنهن جزء اهل بیت رسول الله حساب نمی‌آیند. آیا شما از کسی که زنتان را مورد بغض و عداوت قرار می‌دهد راضی هستید؟

ای شیعیان آیا شما کسانی را لعن می‌کنید که خداوند درباره‌ی آنها چنین فرموده است:

﴿الَّذِينَ أُوتُوا بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجَهُمْ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾﴾ [الأحزاب: ٦].

«پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسرانش، مادران مؤمنان هستند. و مطابق کتاب (و فرمان) الله، خویشاوندان نسبی در ارث بردن از یکدیگر، از سایر مؤمنان و مهاجران سزاوارترند، مگر آنکه (از طریق وصیت یا احسان) به دوستانان نیکی کنید. این حکم، در لوح محفوظ نگاشته شده است».

آیا شما ام المومنین عایشه رضی الله عنها یاور همیشگی پیامبر و کسی که پیامبر این چنین درباره اش می فرماید:

«فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام».

یعنی: «فضل عایشه بر سایر زنان مثل برتری اشکنه بر سایر طعامها است»^(۱).

و کسی که رسول الله بسیار او را دوست میداشت لعن می کنید؟.

روافض با ادعای بر:

﴿وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ﴾^(۲)

«و هنگامی که پیامبر، رازی را به یکی از همسرانش گفت و او، آن راز را (نزد یکی دیگر از همسران پیامبر) فاش کرد. و الله، پیامبر را از آن آگاه ساخت؛ (پیامبر) بخشی از آن را برای او بازگو کرد و از (بازگو کردن) بخش دیگرش خودداری نمود و چون پیامبر، آن زن را از این موضوع باخبر ساخت، آن زن گفت: «چه کسی تو را از این موضوع باخبر ساخته است؟» (پیامبر) گفت: (پروردگار) دانا و آگاه به من خبر داده است» (التحریم: ۳).

می گویند: ام المومنین عایشه و ام المومنین حفصه رضی الله عنهما راز پیامبر را فاش ساختند و گناه مرتکب شدند. باید گفت: کسی امهات المومنین را مانند شما که ائمه خیالیتان را معصوم می دانید معصوم نمی داند بلکه کسی از انجام گناه مبرا نیست حتی صحابه و امهات المومنین، اما جای هیچ تردیدی نیست که اینان بهشتیانند و چنانچه خطایی هم کرده باشند خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا﴾ (التحریم: ۴)

«اگر شما (دو همسر پیامبر) به سوی الله توبه کنید، پس به راستی دل هایتان به حق گرایش

یافته است».

پس خداوند توبه عایشه و حفصه رضی الله عنهما را پذیرفته است.

در بحث جنگ با علی رضی الله عنه هم باید گفت که ام المومنین عایشه و طلحه و زبیر رضی الله عنهم قصد

قتال و جنگ را نداشتند و این افتراء به ایشان است و اگر چنین باشد به این آیه استناد می‌شود که خداوند تبارک و تعالی فرمود:

﴿وَإِنْ طَآئِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝﴾ [الحجرات: ۹-۱۰].

ترجمه: «و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر جنگیدند، میانشان صلح برقرار کنید. و اگر یکی از این دو گروه، به گروه دیگر تجاوز نمود، با گروه تجاوزگر بجنگید تا به حکم الله باز گردد. و اگر (به حکم الله) باز گشت، در میانشان به عدالت و انصاف، صلح برقرار کنید. و تقوای الله پیشه نمایید تا مشمول رحمت شوید.»

این آیات آن مبارزه‌کنندگان را در عین حال که با هم می‌جنگند، برادران یکدیگر نامیده است. این آیه برای کسانی که در مرتبه‌ای پایین‌تر از آنها هم باشند، ثابت است، پس برای آنان به طریق اولی ثابت است.

تاریخ فرقه‌ی رافضه و بعضی عقایدشان

از خوانندگان شیعه خواهش دارم کمی در این بخش تفکر نمایند. و به سوالات توجه کنند اگر با عقل منطبق بود بپذیرند و اگر نبود ... (ان شاء الله باعث هدایت شود). این امر بر همه آشکار است که شیعه در زمان علی علیه السلام فقط یک موضوع سیاسی بوده. چنانچه شیعیان علی علویه و شیعیان معاویه علیه السلام عثمانیه نامیده می‌شدند و علویون میگفتند خلافت علی را بر خلافت عثمان رضی الله عنه برتر می‌دانستند و عقاید آنها با مسلمین فرق نداشت.

چنانچه در تاریخ طبری آمده است بعد از شهادت امیرالمومنین علی بن ابی طالب شخصی به نام عبدالله بن سباء یهودی تظاهر به اسلام کرده و یارانش (سبئیه) با ایجاد فتنه و مبارزه با اسلام فضیلت‌هایی را بر علی قائل شدند که علی را از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم افضل می‌دانست (العیاذ بالله) و قرآن را تحریف شده میخواند، و به ام المومنین عایشه رضی الله عنها اهانت میکرد، و از کسانی که با این عقاید سبئیه مبارزه می‌کردند حسن بن علی علیه السلام بود. اما از شیعه بودن و خیانت‌های کوفیان هم شکی نیست. و قطعاً قاتلان حسین بن علی در مرحله‌ی اول این کسانی بودند که خود را شیعه و طرفدار ایشان می‌دانستند. (اختلاف سیاسی بود)

اما از سوالات:

- ۱- آیا قبول دارید مسئله‌ی تشیع مسئله‌ای سیاسی بوده است؟ و اگر جوابتان مثبت است پس چرا هم اکنون حتی نماز خواندن شیعیان با مسلمین فرق می‌کند؟
- ۲- اگر جوابتان منفی میباشد سوال این است چرا وقتی علی به حکومت رسید عقاید اصلی اسلام مانند اذان و نماز و ... را اجرا نکرد و همانند ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم عمل کرد؟ چرا نگفت اذان و نماز تحریف شده است و یا چرا متعه را جایز نکرد؟
- ۳- چنانچه در اول کتاب از شباهات رافضه با یهودیان و مسیحیان گفته شد سوال این است این عقاید چگونه وارد عقیده تشیع شده است؟

عزاداری و نوحه‌سرایبی آن هم به این صورت رایج در بین شیعیان نه در قرآن آمده است و نه در سنت رسول الله و نه ائمه شیعه به آن دعوت کرده اند. چنانچه باقر علیه السلام گفته:

«سخت‌ترین بی‌تابی زدن به سر و سینه و نوحه سر دادن است که این کارها خارج از صبر و شکیبایی است و حرام است»^(۱).

واینکه پیامبر به فاطمه علیها السلام فرمود:

«وقتی من مردم بر من روی مخراش و مو پراکنده نکن و آه و واویلا و مجلس نوحه خوانی بر پا مکن».

از ابو عبد الله روایت است، در تفسیر آیه‌ی: «و لا یعصینک فی معروف» می‌گفت: از معروف این است که گریبان چاک نکنند و به سر و صورت نزنند و دعا به هلاکت و نابودی ننمایند و بر سر قبر نشینند^(۲).

و روایات دیگر از اهل بیت در کتب خود اهل تشیع ...

۴- با چه سندی از سنت یا قرآن این اعمال شرک‌آمیز و عزاداری‌ها را انجام می‌دهید؟.

در مزار المفید صفحه ۴۷ از جعفر بن محمد علیه السلام منقول است:

«هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند برایش ۸۰ حج مقبول می‌نویسد».

اما بر ضد این عمل و ساختن بارگاه بر قبرها روایاتی در کتب شیعه موجود است: رسول الله نهی کرده از اینکه بر قبرها نماز خوانده شود، یا بر آن بنشینند و یا بر آن بنایی بسازند^(۳).

روایت است رسول الله از اینکه در قبرها گچ بکار برده شود یا بنایی بر آن بسازند و یا

۱- کافی: ۲۲۲/۳.

۲- نور الثقلین: ۳۰۸/۵، مستدرک الوسائل: ۱۴۴/۱ و بحار الأنوار ۷۷/۸۲.

۳- وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲.

بر آن بنشینند، نهی کرده است^(۱).

به همین دلیل می بینیم که ائمه‌ی شیعه این نهی را نقل کرده اند؛ از صادق روایت است که فرمود:

هفت چیز حرام است: رشوه خوردن در قضاوت، پولی که زن زنا کار در برابر عمل زشت دریافت می‌کند، پولی که جادوگر و کاهن در یافت می‌کنند، پول فروش سگ و پولی که برای ساختن بناهایی که بر قبرها ساخته می‌شود^(۲).

به ابو الحسن موسی بن جعفر گفتم آیا ساختن بارگاه بر قبرها و نشستن بر قبور درست است؟.

گفت: درست نیست بر قبرها بنایی ساخته شود، و بر آنها بنشینند، و گچ به کار ببرند و یا از گل استفاده کنند^(۳).

۵- برای چه با وجود اینکه ائمه‌تان شما را از ساختن بنا بر روی قبرها نهی کرده‌اند این عمل را انجام می‌دهید؟.

۶- این همه اختلاف در روایات شما چیست؟ این همه اختلاف در عمل و روایات شما چیست؟ چرا درجایی نهی و در جای امر به کاری می‌کنید؟.

۷- ساختن بارگاه و اکثر شرکیات صوفیه در عقاید شما هم هست. حال چرا شما صوفیه را منکر می‌شوید و می‌گویید ائمه‌تان آنها را تکفیر کرده‌اند؟.

روافض زنا را حلال دانستند و اسمش را به متعه تغییر دادند. و برای خود کلاه شرعی درست کردند. و این چه مذهبی است که ازدواج با زنان شوهردار را حلال خوانده است؟. (من لا یحضره الفقیه ۱۴۹/۲ - التهذیب ۱۸۷/۲)

۸- دین اسلام که این همه به استحکام خانواده اهمیت داده است آیا اجازه چنین کار حرامی که اسمش فقط تغییر کرده را می‌دهد؟.

۱- مستدرک الوسائل: ۱۲۷/۱.

۲- وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲ و جامع أحادیث الشیعة: ۴۴۴/۳.

۳- کافی: ۲۲۸/۳، من لا یحضره الفقیه: ۱۱۴/۱ و وسائل الشیعة: ۸۸۷/۲.

۹- آیا همبستر شدن با زنان شوهردار بغیر از مذهب مارکس در مذهب دیگری جزء مذهب رافضه حلال است؟.

و اما سوال آخر:

۱۰- آیا مذهبی که روافض دارند (با توجه به توضیحات داده شده) را میتوان جزء فرق اسلامی دانست؟.

کلام آخر

امید است این کتاب توشه‌ای برای آخرت بنده باشد و باعث هدایت شیعیان شود. اگر چه می‌دانم این کتابچه در مقابل آنچه هدایت یافتگان دیگر مکتوب کرده اند هیچ است. ولی امید آن دارم گامی باشد برای جستجوی حقیقت برای شیعیان ... به امید یکپارچه شدن امت رسول الله ﷺ.

و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته